



Editor Notes

Participatory Governance: Dos and Don'ts



•Reza Naghizadeh¹ 

1. Associate Professor, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Naghizadeh.R.(2026). [Participatory Governance: Dos and Don'ts(Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 04(10), 2-4. <https://doi.org/10.22034/jokog.2026.252504>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2026.252504>



Participatory governance has become one of the most significant approaches to governance and public decision-making over the past two decades, particularly in relation to strategic and fundamental decisions. It emphasizes the active involvement of stakeholders, social groups, experts, elites, and other influential actors in policymaking and governance processes. While such participation can enhance the quality, legitimacy, and acceptance of decisions, it may also create significant challenges if it is not properly designed and managed. Stakeholder groups may prioritize their particular interests over the public good, while non-expert actors with greater access to public opinion or media may exert disproportionate influence on specialized and strategic decisions. Consequently, participatory governance requires a careful balance between broad societal participation and expert, responsible decision-making.

The quality of policy implementation is also closely linked to the degree of stakeholder participation and cooperation. Even well-designed decisions may encounter resistance or limited cooperation if stakeholders have not been meaningfully involved in the decision-making process. Therefore, participation should be considered not only a mechanism for improving decision quality but also a prerequisite for effective policy implementation. Achieving this balance requires empowerment at different levels of society

* Editor-in-Chief :

Reza Naghizadeh

Address: National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran.

E-mail: naghizadeh@nrsp.ac.ir



سخن سردبیر حکمرانی مشارکتی؛ باید‌ها و نبایدها

• رضا نقی‌زاده^۱

۱. دانشیار، موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.

فشارهای اجتماعی یا تلاش برای کسب رضایت عمومی قرار گیرند.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی مشارکتی، ایجاد توازن میان مشارکت گسترده و تصمیم‌گیری تخصصی و مسئولانه است. حکمرانی مشارکتی به معنای آن نیست که همه افراد و گروه‌ها در همه موضوعات، به یک اندازه و با یک وزن در تصمیم‌سازی نقش داشته باشند. مشارکت مؤثر نیازمند طراحی سازوکارهایی است که ضمن شنیدن صداهای متنوع جامعه، میان تخصص، تجربه، منافع عمومی و خواسته‌های ذی‌نفعان تعادل برقرار کند.

با این حال، در کنار همه این چالش‌ها، یک واقعیت اساسی را نمی‌توان نادیده گرفت که کیفیت اجرای تصمیمات و سیاست‌ها تا حد زیادی به میزان مشارکت و همراهی ذی‌نفعان وابسته است. حتی بهترین تصمیمات نیز اگر در فرایندی غیرمشارکتی اتخاذ شوند، ممکن است در مرحله اجرا با مقاومت یا عدم همراهی مواجه شوند. به بیان دیگر، مشارکت صرفاً ابزاری برای بهبود کیفیت تصمیم نیست؛ بلکه یکی از الزامات مهم

یکی از مهم‌ترین رویکردهای حکمرانی در دو دهه اخیر، توجه به چگونگی تحقق حکمرانی مشارکتی، به‌ویژه در تصمیمات راهبردی و اساسی است. حکمرانی مشارکتی را می‌توان به‌طور کلی، فعال‌سازی و درگیر کردن ذی‌نفعان، گروه‌های اجتماعی، نخبگان و سایر بازیگران مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری و حکمرانی دانست؛ رویکردی که در ظاهر ساده، اما در عمل با پیچیدگی‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌روست.

مشارکت، اگر به‌درستی طراحی و هدایت نشود، ممکن است خود به منشأ چالش تبدیل شود. بعضاً گروه‌های ذی‌نفع تلاش می‌کنند سهم و اثرگذاری خود را در فرایند حکمرانی به حداکثر برسانند و منافع گروهی را بر منافع عمومی ترجیح دهند. از سوی دیگر، ممکن است در فضای مشارکتی، افراد و گروه‌های غیرمتخصص (که گاه به دلیل برخورداری از صدای بلندتر یا دسترسی بیشتر به افکار عمومی و رسانه، نفوذ بیشتری نیز دارند) سهمی نامتناسب در فرایند تصمیم‌سازی پیدا کنند. در چنین شرایطی، خطر آن وجود دارد که تصمیمات تخصصی و راهبردی، تحت تأثیر ملاحظات کوتاه‌مدت،

* سردبیر:

رضا نقی‌زاده

نشانی: موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.

رایانامه: naghizadeh@nrsp.ac.ir



کیفیت تصمیمات و ایجاد سرمایه اجتماعی لازم برای اجرای آنهاست. چالش اصلی نیز دقیقاً در همین نقطه بروز می‌کند که چگونه می‌توان مشارکت را از یک شعار یا الزام اداری، به یک ظرفیت واقعی برای حکمرانی بهتر تبدیل کرد؟

به نظر می‌رسد بخش مهمی از کیفیت حکمرانی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا به توانایی ما در پاسخ به همین پرسش وابسته خواهد بود.

برای افزایش قابلیت اجرای تصمیمات و سیاست‌هاست. بنابراین، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان میان فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی مشارکتی توازن ایجاد کرد؟

تجربه‌ها و مطالعات ملی و جهانی نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر، بیش از هر چیز، نیازمند توانمندسازی در سطوح مختلف جامعه است. از یک سو، نخبگان، متخصصان و گروه‌های مرجع باید خود را متعهد به مشارکت فعال، مسئولانه و مبتنی بر منافع عمومی در فرایند حکمرانی بدانند و از سوی دیگر، حکمرانان و نهادهای تصمیم‌گیر نیز باید به ضرورت حکمرانی مشارکتی باور داشته و زمینه واقعی این مشارکت را فراهم کنند. چنین رویکردی صرفاً با صدور دستورالعمل و آیین‌نامه محقق نمی‌شود؛ هر چند ایجاد چارچوب‌های قانونی و نهادی، در جای خود ضروری است.

در کنار توانمندسازی، سیاست‌گذاری مناسب برای طراحی و نهادینه‌سازی مشارکت نیز اهمیت اساسی دارد. ایجاد سازوکارهای روشن برای مشارکت ذی‌نفعان و نخبگان در فرایندهای تصمیم‌سازی ملی، می‌تواند هم به ارتقای کیفیت سیاست‌ها و تصمیمات کمک کند و هم زمینه اجرای مؤثرتر آنها را فراهم آورد.

در این میان، الزام و تشویق نهادهای سیاست‌گذار به اتخاذ رویکرد مشارکتی در فرایند حکمرانی، فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای مشارکت از طریق پلتفرم‌های فناورانه و ابزارهای نوین، ایجاد دسترسی عادلانه به فرایندهای مشارکت و توانمندسازی سطوح مختلف جامعه برای مشارکت آگاهانه، فعالانه و مسئولانه از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند مسیر تحقق حکمرانی مشارکتی را هموار کند.

حکمرانی مشارکتی تلاشی برای شنیدن صداهای متنوع، بهره‌گیری از دانش و تجربه ذی‌نفعان، ارتقای